

از مرکز تجارت جهانی در ایران چه می دانید؟

مرکز تجارت جهانی در ایران حدود سال ۶۹ توسط محمدرضا سبزهعلیپور رئیس فعلی مرکز تجارت جهانی ایران آغاز و پیگیری شد. البته پیش از انقلاب اسلامی هم مرکز تجارت جهانی در تپه های عباس آباد تهران در مجموعه ای تحت نام شهستان پهلوی درحال ساخت بوده است. پس از پیروی انقلاب، ساختمان های مرکز



واژه «تحریم» و اداره

کشور با وجود محدودیت های ناچوانمردانه اقتصادی علیه ایران برای دولت های ما مقوله غریبی نیست، اما امروز با توجه به تشدید مشکلات اقتصادی در نقطه ای ایستاده ایم که توقعات عمومی از دولت برای بهبود اوضاع بسیار زیاد است. نظر شما چیست؟

کشور ما بیش از چهار دهه گذشته را به انحای مختلف با تحریم گذرانده، اما حدود ۱۵ سالی است که این تحریم ها شدیدتر و ناعادلانه تر و به جنگ اقتصادی تبدیل شده است. دولت های نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و حالا سیزدهم به اشکال مختلف با این تحریم ها درگیر بودند و هر یک برداشت خود را داشتند. آقای احمدی نژاد، تحریم را «کاغذپاره» خواند، آقای روحانی همه چیز و حتی آب باران را به تحریم متصل کرد و قول داد تحریم ها را بردارد که در مقطعی هم با اجرای برجام، بخش سنگینی از تحریم ها تعلیق شد و نه لغو؛ که این هم خودش یک اشتباه فاحش بود و البته دولت ایشان حتی با وجود برجام هم نتوانست بهره برداری خوبی از فضای بدون تحریم برای بهبود اقتصاد داشته باشد. حالا از دولت آقای رئیسی توقعات زیادی برای بهبود اقتصادی می رود؛ چون ایشان هم مانند دیگران در تبلیغات انتخاباتی این بهبود را وعده داد. پس دولت ایشان، مسئول است که اجرای وعده ها را پیگیری کند، همان گونه که دیگر رؤسای جمهور هم وعده بهبود دادند و مسئول بودند.

■ **دولت آقای رئیسی در گام اول، تعامل در روابط بین الملل و حسن نیت برای افزایش ثبات در منطقه را به خوبی نشان داده است. تحلیل شما از این روند در ماه های ابتدای عمر دولت چیست؟**

واقعیت این است که هر کشوری حتی ابرقدرت های اقتصاد جهان برای رشد، توسعه اقتصادی و جذب سرمایه گذاری باید به طور مسالمت آمیز و بدون تنش با جهان ارتباط داشته باشد و ایران هم در جهان تافته جدا بافته نیست. گاهی یک اقتصاد بزرگ جهان به مواد اولیه موجود در کشوری بسیار کوچک نیاز دارد. پول و سرمایه هم زمانی وارد کشورها می شود که امنیت و ثبات باشد. غیر قابل انکار است که بخشی از مشکلات اقتصادی ایران و کندی های موجود به تحریم ها به خصوص تحریم های بانکی مرتبط است، هر چند تحریم کنندگان اروپایی و آمریکا خودشان هم با آنتشی که برافروختند، سوختند و شرکت هایشان را از بازار جذاب و غنی ایران به عنوان کشور پهنای و مؤثر در منطقه محروم کردند. نباید انکار کرد تحریم های بانکی، تحریم های مربوط به فروش نفت، رفت و آمد توریسم، حمل و نقل، بیمه و... منجر به کاهش درآمد و وارد آمدن فشارهای سنگین به ایران شده و اجازه نمی دهد به صورت قانونی و شفاف در تجارت جهانی اهدافمان را دنبال کنیم، پس ناگزیریم پول را از طریق صرافی ها، چمدانی و یا دیگر شیوه های پیچیده و هزینه بر منتقل کنیم که با این شیوه نمی شود کار کلان و میلیارد دلاری انجام داد.

این شرایط دست و پای فعالان اقتصادی ما را بسته است و نیاز داریم سایه سنگین این تحریم ها هر چه سریع تر از سر اقتصاد ایران برداشته شود. طبعاً دولت آقای رئیسی باید یکی از اولویت هایش تعامل با کشورهای مختلف باشد که خدا را شکر به نظر می رسد با توجه به اظهارات وزیر امور خارجه، این تعامل در منطقه با عربستان با پیشرفت های خوبی همراه بوده است. به این ترتیب می توانیم ثبات بیشتری در منطقه ببینیم و امید می رود همپیمانان عربستان هم با ایران همپیمان شوند. بخشی دیگر از تعامل، برقراری ارتباط با غرب است که با شروع دور جدید مذاکرات با اروپا، ان شاءالله آمریکا هم به عنوان نقطه اختلاف، سر عقل می آید.

■ **شما برای بهبود شرایط اقتصادی ایران، وزن بازسازی روابط بین الملل و رفع تحریم ها را سنگین تر می دانید یا پوست اندازی های ساختاری و مدیریتی در داخل اقتصاد را ؟**

به باور من دو بُعد بازآفرینی اقتصادی در داخل و خارج کشور را نمی شود از هم جدا کرد؛ چون همه مشکل ما تحریم نیست. اگر بگوییم همه مشکلات ما به تحریم بر می گردد باید پرسید چرا آقای روحانی نتوانست با وجود برجام، کارایی مثبت داشته باشد؟ مگر اعضای دولت ایشان با جان کری قدم نمی زدند؟ مگر به قول خودشان با

تجارت جهانی WTC در حوالی میدان آرژانتین کنونی نیمه کاره رها شدند. حتی درحال حاضر نیز اثرات آن ساختمان ها و سازه های بتنی نیمه کاره آن ها قابل مشاهده است.

در نهایت بحث فعال سازی این سازمان در ایران از همان سال ها پیگیری شد و سرانجام مرکز تجارت جهانی در

در ماه های ابتدایی عمر دولت با تداوم تنگناهای اقتصادی و معیشتی مردم، گزینه برجام، رفع تحریم و گشایش اقتصادی بار دیگر روی میز قرار گرفته است. در همین حال به عقیده بسیاری از کارشناسان اقتصادی، بهبود روابط بین الملل و

تغییرات عمیق و وسیع در فضای داخلی اقتصاد در جهت جان بخشیدن به اقتصاد کشور دو مقوله جدانشدنی و هم تراز هستند و دولت اگر بنا باشد به وعده های انتخاباتی اش جامه عمل بپوشاند، باید عملیات چابک سازی درون و برون اقتصاد

رئیس مرکز تجارت جهانی ایران در گفت وگوی تفصیلی با قدس مطرح کرد

بازآفرینی اقتصادی توأمان در داخل و خارج کشور



نیاز بزرگ ما این است که مسئولان باید کارآمد باشند و دلسوز و متخصص و منافع ملی را بر جیب و منافع خودشان ارجح بدانند. آقای رئیسی هم اگر تیم و برنامه اش را روی بهبود وضعیت اقتصادی و بزرگ شدن سفره مردم معطوف نکند ولو با رفع تحریم، مشکلات ما حل نمی شود.

ما برای تقویت دیپلماسی اقتصادی به وزارت صمتی قُرض و محکم نیاز داریم اما در این سه ماه عملکرد ویژه ای از آن ندیده ایم و تازه دادگاه های مربوط به دزدی های مدیران و معاونان دولت قبلی در حال تشکیل است! متأسفانه سفارتخانه های ما همیشه از نظر اقتصادی بی سواد هستند و باید دیپلمات دلسوز در سفارتخانه ها مستقر کنیم.

گفتگو

«کدخدای جهان» دور یک میز ننشسته بودند و قهقهه می زدند و عکس هایشان به سراسر جهان مخابره می شد؟ آن زمان ترس دنیا از تنش میان آمریکا و ایران ریخته بود و هیچ شرکتی به خاطر همکاری با ایران، تنبیه و تهدید نمی شد.

همان مدیران ۱۱۰ شرکت فرانسوی به ایران آمدند اما هیچ اتفاق مثبتی در اقتصاد ایران و سفره مردم رخ نداد. آقای روحانی تور خرید از خارج گذاشت و به سفرهای مختلف رفت به جای اینکه تور رشد اقتصادی، جذب سرمایه خارجی، صادرات و... برقرار کند؛ چون برای جیب خودشان و گرفتن کمیسیون می رفتند. مثلاً می گفتند: می خواهیم هواپیمای ایرباس ۳۸۰ بخریم... مرد حساسی! ما اینجا هنوز باند مناسب برای هواپیمای کوچک را هم نداریم، ایرباس ۳۸۰ به چه دردمان می خورد؟! البته همه این ها رُویا بود و سنگ بزرگ نشانه نزدن... دولت آقای روحانی به جای اینکه شرکت های نفتی خودمان را فعال کند، توتال را آورد، یا پژو و رنور به صنعت خودرو آورد... این کارها مصداق پول ریختن به جیب آن ها بود و نه خلق منافع برای ایران؛ چون دیدیم به محض خروج ترامپ از برجام این شرکت ها هم از ایران رفتند! پس کار دولت، غلط و خیانتی بود که دولتمردان بدون وجود تحریم در حق مردم و مملکت روا داشتند؛ چون کشور را عقب انداختند.

پس نیاز بزرگ ما این است که مسئولان باید کارآمد باشند و دلسوز و متخصص و منافع ملی را بر جیب و منافع خودشان ارجح بدانند. آقای رئیسی هم اگر تیم و برنامه اش را روی بهبود وضعیت اقتصادی و بزرگ شدن سفره مردم معطوف نکند ولو با رفع تحریم، مشکلات ما حل نمی شود. مشکل ما سوء مدیریت، باند بازی و خیانت مدیرانی است که به محض روی کار آمدن به جای اینکه به فکر مردم باشند به دنبال ساختن کلاهی برای خودشان از این نمد هستند آن هم بدون هیچ تخصصی! این ها حتی اگر تحریم نباشند بدتر مملکت را نابود می کنند.

چطور ما تاثیر محمد، مالزی را به عنوان یک کشور مسلمان که منابع خدادادی خاصی ندارد به مبادلات اقتصادی چند صد میلیارد دلاری می رساند؟ او بعد از اینکه اقتصاد را شکوفا کرد کنار کشید و کار را به جوان ها سپرد اما وقتی هم حزبی هایش آمدند و دزدی ها شروع شد باز هم با وجود کپولت آمد و مالزی را سر و سامان داد. نمونه دیگر اقتصاد موفق کشور سنگاپور است که امروز ریاست جمهوری آن را یک خانم (حلیمه

یعقوب) بر عهده دارد و گذرنامه این کشور معتبرترین گذرنامه جهان است.

این نمونه ها نشان می دهد که اولاً افراد مهم هستند و ثانیاً ما هم می توانیم موفق شویم مشروط به اینکه درست مدیریت کنیم و در کنار تنش زدایی با جهان، افراد برنامه دار و توانمند بر اقتصاد حاکم شوند، نه اینکه یک تیم کشور را نابود کند و تیم بعدی و نفر بعدی هشت سال آوار برداری کند، اما خودش هم باردیگر اقتصاد را ویران کند تا نفر بعدی برای آواربرداری بیاید. پس مشکل ما فقط تحریم نیست، بلکه خیانت مدیران است؛ مدیرانی که اغلب تحصیلکرده آمریکا بودند و ساعت و کت و شلوار بزند می پوشیدند اما کاری از پیش نبردند و امروز باید پرسید چرا مملکت ما می تواند جیب این ها را پر کند و جیب خودش را نه؟!

■ **در همین ۱۰۰ روز ابتدایی، انتخاب اعضای کابینه آقای رئیسی، تیم اقتصادی و مدیران میانی دولت ایشان را تا چه حد به خانه نکانی جدی در اقتصاد ایران نزدیک می دانید؟**

تیم دولت آقای رئیسی، مملکت را در شرایط کسری بودجه شدید تحویل گرفته است، اما الحمدلله اختلاف عقیده ای بین قوا نیست. اگر اراده و همت رئیس جمهور بر ساخت مملکت و اصلاح امور باشد، با همین کابینه ای که از تیم دولت آقای رئیسی، مملکت را در شرایط کسری بودجه شدید تحویل گرفته است، اما از روی بهبود وضعیت اقتصادی و بزرگ شدن سفره مردم معطوف نکند ولو با رفع تحریم، مشکلات ما حل نمی شود. مشکل ما سوء مدیریت، باند بازی و خیانت مدیرانی است که به محض روی کار آمدن به جای اینکه به فکر مردم باشند به دنبال ساختن کلاهی برای خودشان از این نمد هستند آن هم بدون هیچ تخصصی! این ها حتی اگر تحریم نباشند بدتر مملکت را نابود می کنند.

چطور ما تاثیر محمد، مالزی را به عنوان یک کشور مسلمان که منابع خدادادی خاصی ندارد به مبادلات اقتصادی چند صد میلیارد دلاری می رساند؟ او بعد از اینکه اقتصاد را شکوفا کرد کنار کشید و کار را به جوان ها سپرد اما وقتی هم حزبی هایش آمدند و دزدی ها شروع شد باز هم با وجود کپولت آمد و مالزی را سر و سامان داد. نمونه دیگر اقتصاد موفق کشور سنگاپور است که امروز ریاست جمهوری آن را یک خانم (حلیمه

■ **برای تقویت دیپلماسی اقتصادی و بازتعریف آن در جهت تقویت حضور ایران در بازارهای جهانی و منطقه ای و پیشبرد اهداف تجاری، دولت باید چه تدابیری ببیند؟**

در جهان، هر چند سیاست حائز اهمیت است اما برای داشتن یک کشور قوی اول باید اقتصادی قوی و خلل ناپذیر و دارای تاب آوری

نیم نگاه

است. در ضمن مرکز تجارت جهانی ایران نیز همچون سایر مراکز تجارت جهانی فعال دنیا، همه ساله مبلغ حق عضویت سالانه ای را از طرق مختلف تأمین و جهت جلوگیری از لغو عضویت ایران نزد اتحادیه مراکز تجارت جهانی WTCA به حساب این سازمان بین المللی واریز می کند.

کشور را همزمان پیش ببرد. محمدرضا سبزهعلیپور تحلیلگر اقتصادی و رئیس مرکز تجارت جهانی ایران در آستانه شروع دور جدید مذاکرات برجامی، از ضرورت خانه تکانی وسیع اقتصادی در فضای داخلی و فرامرزی اقتصاد می گوید.

بالا داشت. پشت هر سیاست قدرتمندی به یک اقتصاد قدرتمند، گرم است. اگر فلان کشور در جهان شاخ و شانه می کشد به خاطر قدرت اقتصادی است. دیپلماسی اقتصادی ما یک فرمانده قُدر می خواهد که هنوز این فرمانده خوب را انتخاب نکرده ایم. همیشه افرادی را دور خودمان جمع کرده ایم که عقبه خاص اقتصادی نداشته اند. بسیاری از این ها دهه ها سرکار بوده، اما عملکرد اقتصادی مثتی نداشته اند. ما برای تقویت دیپلماسی اقتصادی به وزارت صمتی قرض و محکم نیاز داریم اما در این سه ماه عملکرد ویژه ای از آن ندیده ایم و تازه دادگاه های مربوط به دزدی های مدیران و معاونان دولت قبلی در حال تشکیل است! متأسفانه سفارتخانه های ما همیشه از نظر اقتصادی بی سواد هستند و باید دیپلمات دلسوز در سفارتخانه ها مستقر کنیم. واقعیت این است اگر امروز یک سرمایه گذار خارجی و یا توریست به سفارت ایران در کشورهای مختلف مراجعه کند، یک بروشور برای معرفی درست و دقیق ظرفیت های ایران وجود ندارد. حتی اجازه نمی دهند بخش خصوصی بروشور چاپ کند و در اختیار سفارتخانه ها قرار دهد. در حالی که در سفارتخانه های دیگر کشورها وجود چنین بروشورهایی امری معمول است. دیپلماسی اقتصادی یک تیم قوی اقتصادی در بدنه دولت می خواهد تا سیاست گذاری، بستر سازی و برنامه ریزی درست را پیش ببرد. گام بعدی این است که سراغ پیاده نظام اقتصاد یعنی بخش خصوصی برویم. خدا را گواه می گیرم که امروز در ایران افرادی در بخش خصوصی هستند که هر کدامشان به تنهایی یک دولت هستند و می توانند دولت آقای رئیسی و کشور را از بحران نجات دهند. هر کدام از این ها در همین لحظه ۱۰ تا ۲۰ هزار نیروی کار دارند و پول در اختیارشان است. نباید به بخش خصوصی بدبین بود و به دلیل اختلاف با یک بانک، بخش خصوصی را به دردسر و محدودیت انداخت. باید نقد را چسبید و نسیه را ول کرد.

لازم است بنگاه هایی که مشکلات کمتری دارند از کمک کنیم تا چابک شوند نه اینکه انرژی و وقت را صرف بنگاه هایی کنیم که سال ها است تعطیل شده اند. کارخانه ای که مانند ساعت، دقیق کار می کند، در دنیا بی نظیر است و حدود ۲۰ هزار نیرو دارد، اما در حال ورشکستگی است را باید دریابیم. دیپلماسی اقتصادی درست و توانا اینجا معنا می دهد. همین امروز افرادی را در بخش خصوصی داریم که می توانند با دنیا مذاکره کنند و تحریم ها را تحت تأثیر قرار دهند. دنیا به حرف این ها بیشتر از حرف دولت ها گوش می دهد اما همین افراد وقتی به یک وزارتخانه می روند کارمند وزارتخانه به آن ها بی احترامی می کند. امثال ما تاثیر محمد با بخش خصوصی واقعی برنامه مشترک ایجاد کردند اما دولت های ما بخش خصوصی واقعی را به بازی اقتصاد راه نمی دهد. دولت های ما متأسفانه وقتی هم قرار است با بخش خصوصی جلسه بگذارند فقط از اتاق بازرگانی نظر می خواهند. یادمان نرود وقتی کسی خیلی پولدار می شود و کسب و کار و مجموعه اش بیش از حد بزرگ می شود، هیچ هدیه گران قیمتی برایش جذاب نیست و تنها «احترام» او را اقناع می کند. آقای رئیسی باید بخش خصوصی واقعی را دعوت کند و با آن ها گپ خودمانی بزند چون تأثیر این جلسات، فوق العاده و طلایی خواهد بود. هر یک از بزرگان بخش خصوصی ما می تواند بخش بزرگی از گره های مملکت را باز کند و به تنهایی معادل ۱۰ وزارتخانه است.

متأسفانه دولت های گذشته سراغ این افراد نرفته اند؛ چون احتمال می دادند نتوانند از این ها کمیسیون بگیرند، ولی از پیمانکاران خارجی می توانند بگیرند و جیب خودشان را پر کنند! ناظران خارجی بارها به ایران آمده و کار پیمانکاران ایرانی را دیده اند که در شرایط تحریم بهترین ساختمان ها، برج ها، راه ها و... را ساخته اند. بهترین مقامات اروپایی اذعان کرده اند شما در اوج تحریم این ها را ساخته اید اگر تحریم نبود چه می کردید؟! اروپایی ها برای همکاری در باغ سبز به پیمانکاران ما نشان می دهند. حتی قطر به شدت به دنبال پیمانکاران ماست. ما به قدری در حوزه خدمات فنی و مهندسی مقتدر و قوی هستیم که توجیهی برای کمک گرفتن از چین یا هر کشوری برای ساخت یک میلیون مسکن وجود ندارد. وقتی می گویم ما به دلسوزی و کارآمدی در کنار رفع تحریم ها نیاز داریم و باید مدیران ما منافع ملی را به منافع شخصی ارجح بدانند، یعنی اینکه قدر پیمانکاران داخلی را بدانیم.



دولت در مقابل بخش خصوصی ایران هیچ است

محمد حسین ادیب پژوهشگر اقتصادی در گفت وگو با تسنیم گفت: مردم ما ماهی ۸۵۰ هزار میلیارد تومان خرید می کنند و دولت ماهی ۶۰ هزار میلیارد تومان هزینه می کند. دولت در مقابل بخش خصوصی ایران هیچ است. منتها اشکال عده ای در تحلیل این است که با تحلیل بودجه دولت می خواهند به تحلیل اقتصاد ایران برسند که اشتباه است دولت در مقابل خرید بخش خصوصی هیچ است.



خبر

اتحادیه اروپا: از تبعات خروج آمریکا از برجام آگاهیم

نماینده اتحادیه اروپا در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی ضمن بیان این ادعا که بروکسل به مسائل مرتبط با خروج آمریکا از برجام اذعان دارد، خواستار آن شده ایران آنچه «اقدامات ناسازگار با برجام» خوانده شده را به عقب برگرداند.

نماینده اتحادیه اروپا مدعی شد: «اتحادیه اروپا بر عزم راسخ خود جهت تداوم حمایت از اجرای کامل و مؤثر برجام تأکید دارد و مصمم به ادامه همکاری با جامعه بین المللی جهت حفظ این توافق راهبردی است».